کوتاه از دیپلماسی

آمریکا تحریم جدید اعلام کرد

● **ایرنا:** مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا، روز دوشنبه در نشستی خبری گفت: هر کشوری که تحریم‌ها علیه ایران را نادیده بگیرد، هدف تحریم‌های آمریکا قرار خواهد گرفت. پمپئو همچنین بار دیگر مدعی شد که آمریکا وزارت دفاع ایران را تحریم خواهد کرد. او همچنین گفت آمریکا نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهوری ونزوئلا را به‌خاطر دورزدن تحریم‌های ایران تحریم خواهد کرد. پمپئو مدعی شد: وقتی در سال ۲۰۱۸ رویکرد فشار حداکثری را علیه ایران شروع کردیم، خیلی‌ها گفتند این رویکرد کار نخواهد کرد اما اشتباه می‌کردند. وزیر خارجه آمریکا گفت: هر کشوری که تحریم‌های ایران از جمله تحریم‌های تسلیحاتی علیه این کشور را نادیده بگیرد، تحت تحریم‌های ما قرار خواهد گرفت. او مدعی شد: ما فشار حداکثری را ادامه می‌دهیم تا ایران را به میز مذاکره برگردانیم. استیو منوچین، وزیر خزانه‌داری آمریکا هم در این نشست خبری گفت: آمریکا اجازه نمی‌دهد که ایران بخواهد در زمینه موشک‌های بالستیک پیشرفت کند. ما خیلی چیزها از جمله مسائل موشکی ایران را زیر نظر داریم. او گفت: این دولت هر ابزار لازم را استفاده می‌کند تا جلوی فعالیت‌های موشکی و هسته‌ای ایران را بگیرد. وزیر خزانه‌داری آمریکا همچنین از تحریم دو فرد مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم در ایران خبر داد و گفت کسانی که در زمینه توسعه فعالیت‌های موشکی ایران فعال هستند، تحریم می‌شوند. در این نشست مطبوعاتی همچنین اعلام شد که پنج دانشمند هسته‌ای ایران تحت تحریم قرار می‌گیرند. مارک اسپر، وزیر دفاع آمریکا هم در این نشست خبری مشترک ادعا کرد: آمریکا آماده پاسخ به هرگونه حمله از سوی ایران است.

ظریف به روسیه سفر می‌کند

● **ایرنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه از سفر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه به روسیه طی روزهای آینده خبر داد. سعید خطیب‌زاده این سفر را در ادامه رایزنی‌های دو کشور در مورد برجام و همچنین مسائل دوجانبه و منطقه‌ای عنوان کرد.

مسکو: تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران همچنان ملغی هستند

● **ایسنا:** نماینده روسیه در سازمان ملل بیان کرد آمریکا به دلیل خروج از توافق هسته‌ای از حق به‌کارگیری مکانیسم بازگردانی تحریم‌ها برخوردار نیست و تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران همچنان لغو هستند. دمیتری پولیانسکی معاون هیئت نمایندگی روسیه در سازمان ملل در صفحه توییترش نامه‌ای را از واسیلی نبنزیا نماینده دائمی روسیه در سازمان ملل به آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان و عبدو اباری رئیس دوره‌ای شورای امنیت سازمان منتشر کرد که در آن مخالفت روسیه با ادعای اخیر دولت آمریکا مبنی بر اینکه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را بازگردانده، تشریح شده است. نبنزیا در این نامه نوشت: این ادعاها غیرقانونی هستند و از آنجا که آمریکا عمدا و رسما از برجام (توافق هسته‌ای ایران) در سال ۲۰۱۸ خارج شد و این خروج را هم پنهان نکرده و از قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام تخطی کرد، بنابراین از هر حقی برای به‌کارگرفتن ابزارهای محفوظ در قطع‌نامه ۲۲۳۱ محروم شد. او در بخش دیگری از این نامه مطرح کرد: مکانیسم بازگردانی تحریم‌ها علیه ایران فعال نشده است و تمام قطع‌نامه‌های شورای امنیت که در پاراگراف هفت قطع‌نامه ۲۲۳۱ فهرست شده‌اند، هنوز لغو هستند. این یعنی هیچ‌یک از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران بازگردانده نشده و هر ادعا یا اقدام متضادی یک‌جانبه و غیرقانونی خواهد بود. همچنین خبرگزاری اسپوتنیک به نقل از نبنزیا گزارش داد: تلاش‌های آمریکا برای بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران در چارچوب قطع‌نامه ۲۲۳۱ با هدف توجیه تاکتیک‌های فشار حداکثری بر تهران و همچنین یافتن اهرم‌های جدیدی از این فشار است.

معاون وزیر خارجه روسیه:

برای تجارت تسلیحاتی با ایران ترسی از تحریم‌های آمریکا نداریم

● **ایسنا:** معاون وزیر امور خارجه روسیه بیان کرد: مسکو با وجود تهدیدهای آمریکا به اعمال تحریم، به همکاری دفاعی با ایران ادامه خواهد داد. به گزارش خبرگزاری تاس، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه روز دوشنبه در جمع خبرنگاران گفت: مسکو ترسی از تحریم‌های بالقوه آمریکا به خاطر معاملات تسلیحاتی با ایران ندارد. ریابکوف در پاسخ به سؤال تاس بیان کرد: ما از تحریم‌های آمریکا نمی‌ترسیم. به آنها عادت داریم. این امر هیچ تأثیری در سیاست ما نخواهد داشت. همکاری ما با ایران چندجانبه است. او افزود: همکاری دفاعی طبق نیازهای دو کشور و تمایل دوجانبه پیش خواهد رفت.

واکنش بولتون به تلاش ماشه‌ای آمریکا

● **ایلنا:** مشاور امنیت ملی سابق آمریکا به تلاش آمریکا برای فعال‌سازی اسنپ‌بک واکنش نشان داد. جان بولتون در توییتر نوشت: «شکست تلاش‌های ترامپ در «تحریم‌های اسنپ‌بک» به صورت مضحک و تأسف‌باری اقدامات آمریکا برای ازبین‌بردن برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران را تضعیف می‌کند».

آینده روابط ایران و اروپا و انتخابات آمریکا

کاغذبازی بس است!

عابد اکبری*

دو ماه مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، ترامپ تلاش دارد توافقاتی بدون درنظر گرفتن آثار طولانی‌مدت‌شان به دست بیاورد تا آنها را به‌عنوان دستاوردهای دولت خود فهرست کند. تلاش برای فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» و هیاهو برای تمدید مجدد تحریم‌های تسلیحاتی علیه ایران یا توافق صلح رژیم صهیونیستی با دیگر دولت‌های مسلمان منطقه، اقداماتی از این جمله است. در ماه گذشته آمریکا در نشست شورای امنیت سازمان ملل درمورد بازگشت تحریم‌ها علیه ایران کاملا منزوی شد، بااین‌حال، پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا همچنان تهدید می‌کند که آمریکا موفق خواهد شد بار دیگر تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را با فعال‌سازی مکانیسم ماشه برگرداند. این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که آمریکا به لحاظ قانونی به سبب خروج از برجام، اساسا حق درخواست برای اسنپ‌بک را ندارد. آمریکا امیدوار است کشورهای اروپایی تحریم تسلیحاتی ایران را تمدید کنند. کشورهای اروپایی، با وجود فشار آمریکا بر آنها، به‌ویژه بر بریتانیا برای به جریان انداختن سازوکار اسنپ‌بک، با یکدیگر توافق کرده‌اند در مقابل خواسته آمریکا بایستند. اختلافاتی درون‌اروپایی درمورد تحریم‌ها علیه ایران دیده می‌شود. فرانسه و آلمان تصدیق کرده‌اند که بریتانیا حساسیت‌هایی برای حمایت از نزدیک‌ترین شریک خود، یعنی آمریکا دارد. بریتانیا مایل است یک توافق تجارت آزاد با آمریکا منعقد کند و در منطق بیمار ترامپ نمی‌تواند هم‌زمان خواهان توافق تجاری و مخالف بازگشت اسنپ‌بک باشد.

اگرچه اروپا اعلام کرده است تمایل دارد در چارچوب توافق فعلی باقی بماند و آن را تنها راه صلح‌آمیز حل مناقشه پرونده هسته‌ای ایران می‌داند؛ باوجوداین، روشن است چنانچه واکنش‌های اروپایی به اقدامات دولت ترامپ این اندازه منفعلانه باشد، در صورت انتخاب مجدد ترامپ، شانس نجات برجام به صفر می‌رسد. این مسئله که اروپا مدعی شود همه تلاشی را که می‌تواند برای حفظ برجام انجام دهد وضعیت فعلی است، برای ایران پذیرفتنی نیست.

اثرپذیری اروپا از انتخابات آمریکا

همه دولت‌ها زمانی که به روزهای پایانی خود می‌رسند، می‌کوشند فهرستی از دستاوردهای‌شان را برای ثبت تاریخی ارائه کنند، اما اگر این دولت اجازه داشته باشد برای دور بعدی نیز خود را نامزد اعلام کند، اغراق درمورد دستاوردها یا کلنگ‌زنی‌های روزهای آخر را در دستورِ کار خود قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد هژمونی آمریکا نیز در دولت ترامپ به چنین روزهایی رسیده است. توافق صلح رژیم صهیونیستی با ملل مسلمان منطقه غرب آسیا، یکی از آن کلنگ‌زنی‌هایی است که پیامدهای آتی امنیتی آن احتمالا گریبان‌گیر دولت بعدی آمریکا یا حتما معضلی برای مردم منطقه خواهد بود. به نظر می‌رسد همان‌گونه که ترامپ مسئولیتی برای پیامدهای خروج از توافق برجام متقبل نشد و همه امضاکنندگان را پس از چند سال هنوز در بلاتکلیفی موجود درمورد نظام عدم اشاعه گذاشته است، نمی‌داند با برهم‌زدن موازنه قدرت در منطقه، روندهای آتی امنیتی را به‌شدت دگرگون خواهد ساخت. دراین‌میان، اروپا به‌عنوان هم‌پیمان قطعی سابق و احتمالا فعلی آمریکا، نباید اجازه می‌داد یک دولت بی‌مسئولیت با قدرت خود هر اقدامی مایل است انجام دهد و پیامدهای رفتار مخرب خود را نادیده بگیرد. به‌ویژه آنکه امنیت خود اروپا با این رویکرد در مخاطره خواهد افتاد. بااین‌حال، اروپا به حداقل‌ها، برای مثال باقی‌ماندن نامی از برجام اکتفا کرده است، درحالی‌که می‌توانست نقش مهمی در تحقق روح صلح‌آمیز این توافق برای کشورهای منطقه غرب آسیا و در مقیاسی بزرگ‌تر، برای آینده نظام عدم اشاعه و جهان عاری از تسلیحات هسته‌ای داشته باشد.

اینکه چه راه‌حلی برای سستی و انفعال کنونی اروپا می‌توان ارائه کرد، بسیار ساده است و حداقل برای چهار سال از ابتدای انتخاب ترامپ، کارشناسان اروپایی بارها بر این روش حل مسئله تأکید داشته‌اند: دست‌یافتن به استقلال راهبردی اروپایی. معنای این استقلال راهبردی آن است که اروپا، وزنه‌ای حداقلی در مقابل آمریکا داشته باشد. نه برای آنکه با آمریکا به معارضه برخیزد بلکه برای اینکه بتواند صدای خود را به گوش جهان برساند. روشن است که هنوز اختلافات بزرگی در اروپا درباره تعریف استقلال راهبردی وجود دارد و برای مقامات اروپایی دنباله‌روی از آمریکا ساده‌تر از فکرکردن درباره تفکر خاص اروپایی است؛ درحالی‌که این فرصت، یا اکنون یا هرگز است. با تغییراتی که درحال‌حاضر در رقابت آمریکا و چین در حال وقوع است و به‌تدریج چینش جدیدی با حضور چین در آب‌های خلیج فارس و تثبیت روسیه در شامات می‌پذیرد، اروپا باید به بلوک‌های بزرگ قدرت در حال شکل‌گیری بنگرد و جایگاه خود را در تحولات قدرت مشخص کند. اروپا می‌تواند و باید بتواند کاری بیشتر از کاغذبازی‌های فعلی برای برجام انجام دهد. حفظ برجام و مخالفت با اعمال تحریم‌های آمریکایی، اگر واکنشی انفعالی در نظر گرفته نشود، فقط کنشی حداقلی از طرف اروپاست. این قاره که به‌عنوان رکن هنجاری نظم لیبرال شناخته می‌شد، امروز در دام قوانین فرامرزی آمریکایی گرفتار شده است.

همین مسئله نشان می‌دهد چه اندازه برای اروپا مسئله برجام می‌تواند مهم باشد. بنابراین حتی کنش حداقلی حفظ برجام، فرصت ایستادگی در مقابل یک‌جانبه‌گرایی آمریکاست. البته ایران خواهان عملکردی بیش از آن از اروپا و تحقق بُعد اقتصادی برجام است. ترامپ کشورهای اروپایی را آشکارا جاسوس تروریست‌ها خطاب کرده است و بعید نیست در ۲۰ سپتامبر اعلام کند تحریم‌ها علیه ایران برگشته‌اند و جهان باید از آن تبعیت کند. این رویکرد غیرقانونی است، اما آمریکای ترامپ به قانون‌گریزی عادت دارد. مهم‌ترین توصیه برای اروپا این است که تسلیم آنچه به ضرر اروپاست، نشود. اینکه ترامپ مایل است انتخاباتی پرشور داشته باشد، نباید به اروپا یا کشورهای منطقه غرب آسیا که هدف اصلی لابی صهیونیستی و رئیس‌جمهور تحت‌الحمایه‌اش هستند، ضرر برساند. ذکر چند نکته برای الهام‌بخشی به مقامات اروپایی که مایل نیستند واقعیت استقلال راهبردی را درک کنند، ضروری است.

نخست، روابط خارجی در بحبوحه گذار نظم بین‌المللی

بلوک‌های قدرت در جهان در حال تغییر هستند. از سطح روابط به لحاظ هنجاری کاسته و به لحاظ مادی و سخت افزوده شده است. هم‌پیمانی‌ها از شکل اصیل خود خارج می‌شوند و در حال تغییر به اشکال هم‌پیمانی‌های سیستماتیک یا هم‌پیمانی‌های منفی هستند. این روندها باید به اروپا نشان داده باشند که روابط خارجی دولت‌ها در بحبوحه گذار نظم بین‌المللی در حال تغییری جدی است. هم‌زمان با حرکت زیرلایه‌ها برای تشکیل بلوک‌های قدرت، همه کشورها درصدد افزایش استقلال ملی خود برای بازتعریف منافع در بافتار بین‌المللی جدید هستند. اروپا و ایران از این مسئله مستثنا نیستند. آمریکا در رقابت با چین، برای حفظ جایگاه هژمونیک خود حاضر است هزینه کند؛ حتی اگر این هزینه به بهای ازدست‌رفتن بخشی از هم‌پیمانی‌هایش باشد. بنابراین، پرواضح است که اروپا باید احتمال دهد به‌عنوان بخشی از نظام لیبرال، آمریکا آن را متعلق به خود بداند و هر زمان که مایل باشد، این بخش، یعنی اروپا را قربانی موازنه‌سازی با چین کند.

ادامه در صفحه ۶

اصولگرایان در انتظار یک کابینه نظامی

«دولت ۱۴۰۰ کابینه جنگ می‌خواهد»؛ این را مالک شریعتی‌نیاسر نماینده تهران در صفحه شخصی خود در توییتر با اشاره به فرارسیدن سالگرد آغاز جنگ نوشته و این‌طور ادامه داده است: «هفته دفاع مقدس گرامی باد! امروز جنگ اقتصادی به مراتب پیچیده‌تر از جنگ نظامی ۴۰ سال قبل است. خون و آتش و گلوله ندارد اما خون جگر، آتشفشان و ترکش بسیار. خانه‌ای ویران نمی‌کند اما خانواده بسیار. پدرها را نمی‌کشد اما غرور پدرها را بسیار. تحریم‌ها سال‌ها می‌مانند. دولت ۱۴۰۰ کابینه جنگ می‌خواهد».

خواسته این نماینده اصولگرا که به احتمال زیاد مکنون قلبی صرفا او نیست و بسیاری از اصولگرایان چنین نگاهی به کابینه آینده دارند، می‌تواند گفته‌ای نمادین تلقی شود که واقعیتی را درون خود مستتر دارد. آنها دو، سه سالی است که زمزمه یک رئیس دولت نظامی را بر زبان می‌رانند.

ابراهیم فیاض استاد دانشگاه اخیرا گفته بود که این مجلس نمی‌تواند هیچ کاری بکند، چون نگاهش فقط به انتخابات ریاست‌جمهوری آینده است تا یک دولت توتالیتر با قدرت مرکزی بنیادی بر سر کار آید! بعد هم گفته بود که حتی در سیاست خارجی این روند به سمت نوعی نظامی‌گری هم می‌رود. من قبلا هم گفته بودم برخی مایل‌اند در برابر ترامپ یک رئیس‌جمهور نظامی داشته باشیم. محمدعلی پورمختار، نماینده مجلس نهم و دهم نخستین کسی بود که سه سال پیش گفت «اگر یک نظامی رئیس‌جمهور شود حتما می‌تواند کشور را از مشکلات نجات بدهد». سردار علایی هم به‌تازگی گفته: باید فضا باز شود تا همه مردم بتوانند آزادانه انتخاب کنند. حالا اگر مردم دوست دارند که یک فرد نظامی را انتخاب کنند، خودشان حق انتخاب دارند.

سیدجواد طاهایی در یادداشتی دو سال پیش در «شرق» در دفاع از ورود یک نظامی به عرصه سیاست نوشته بود: «اگر یک فرد نظامی را برای ریاست‌جمهوری کشور برگزینیم، نیروهای حاکمیتی را به سوی پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری سوق داده‌ایم. این یعنی آموزش سیاسی به جناح راست و واردکردن آنها به سیاست مدرن. نیرویی که تاکنون به نحو مؤثری به مقاومت و تخریب دشمن خارجی می‌پرداخت، اینک به نحو مؤثری باید به ساختن و حل مشکلات سیاست داخلی بپردازد و در واقع با طبقات متوسط به تفاهم بگراید. از یاد نبریم که وظیفه تاریخی و جهانی طبقه متوسط انتقال جامعه به وضع مدرن است. اگر یک نظامی قدیمی رئیس‌جمهور شود، در مسیر لبخندزدن به جامعه مدنی قرار می‌گیرد؛ زیرا مسیر دیگری وجود ندارد. ترمز ممکن نیست. فقط می‌توان فرمان را چرخاند. این تحول بزرگی است که امثال جناب آقای احمد خاتمی به جای انتقادگری، مجبور شوند نیروی خود را صرف حل چالش‌های آن دولتی کنند که این بار به طور کیفی‌تری از میانه خودشان برخاسته است. بهتر است خود آنها در مقام قوه مجریه بین ضرورت نوجویی و ضرورت محافظت پیوند برقرار کنند». این تحلیل به نوعی سیاست‌گری جناح راست را با سیاست‌گری یک نظامی یکی انگاشته که در نوع خود بیراه هم نیست. نظامیانی که قصد ورود به عرصه انتخابات را دارند، اصولا مستقیم یا غیرمستقیم به همین جناح وابسته‌اند و اصولگرایان هم برخلاف اصلاح‌طلبان به نظر می‌رسد که مشکلی با ورود یک نظامی به عرصه سیاست ندارند بلکه آن را تقویت و حمایت هم می‌کنند. مثلا حمیدرضا ترقی از حزب مؤتلفه اخیرا گفته: «آنچه مطالبه مقام معظم رهبری است، یک دولت جهادی یعنی دولتی جوان، انقلابی، بانشاط و دارای توان کار جهادی است که بتواند عقب‌ماندگی‌های کشور را در ابعاد مختلف جبران کند و یک حضور بانشاط و پرتحرک در عرصه اجرائی کشور داشته باشد، حالا برخی افراد تصور می‌کنند که این روحیه در نیروهای نظامی بیشتر و در نیروهای غیرنظامی کمتر است، یعنی نیروهای نظامی توان تشکیل دولت جهادی و انقلابی را دارند. اما آنچه باید به آن توجه شود، این است که اگر شخصیتی از نیروهای نظامی هم وارد عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری شود، بُعد جهادی‌اش مدنظر است نه بُعد نظامی این فرد».

روی‌کارآمدن ترامپ چهار سال پیش هم این تمایل را در جناح راست تقویت کرده بود که برای روزهای سخت یک نظامی کاراتر است. حالا که مشکلات اقتصادی هم به پیچ خطرناک خودش رسیده، تصور می‌کنند که برای یک جنگ اقتصادی هم یک سردار نظامی مناسب‌تر است. تاجایی‌که روزنامه جوان همان دو، سه سال قبل که مبحث آن طرح شد، از عنوان «خوب و بد» یک رئیس‌جمهور نظامی برای یک مناظره بین فیاض و عطریانفر در این باره استفاده کرده بود.

از حالا لیستی هم از سابقه‌داران نظامی‌گری فهرست شده است؛ از محسن رضایی که یکی از نزدیکانش گفته بود آمدنش فقط ۱۰ درصد محتمل است تا حسین دهقان که گویا قصد جدی برای آمدن دارد، سعید محمد، رستم قاسمی، علی شمخانی و از همه مهم‌تر محمدباقر قالیباف که اما و اگر درباره‌اش حتی این روزها که بر صندلی ریاست مجلس تکیه زده همچنان زیاد است. این در حالی است که اقوال و اخبار حاکی از این است که سیدابراهیم رئیسی غیرنظامی گزینه بالقوه برخی اصولگرایان است. اخیراً جواد کریمی‌قدوسی، نماینده مشهد در توییتر خود گفته بود که چشم‌های منتظر و ملتمس منتظر حضور رئیسی در انتخابات هستند. او در توییتی که با هشتگ انتخابات ۱۴۰۰ منتشر کرد، نوشت: «آیت‌الله رئیسی مصداق اَتم و اکمل رجل سیاسی و مکتبی، مدیر و مدبر است که با سایر مدعیان عرصه ۱۴۰۰ فاصله‌ای غیر قابل رقابت دارند، چشم‌های منتظر و ملتمس از درگاه الهی در آرزوی تبدیل ۹ماهه آینده به دقایقی هستند». در این صورت شاید توضیح ابراهیم فیاض درباره کابینه ۱۴۰۰ رمزگشا و تفسیر بهتری از گفته مالک شریعتی باشد، تا پوسته ظاهری سخن او که به ظاهر از یک دولت نظامی سخن می‌گوید.

دادگاه، اعاده دادرسی سعید مرتضوی در پرونده بازداشتگاه کهریزک را رد کرد

پایان داستان دادستان سابق

شرق: دفاعیه سعید مرتضوی در دادگاه اعاده دادرسی پرونده موسوم به پرونده بازداشتگاه غیرقانونی کهریزک با نظر اکثریت قضات رد شده است. میرمجید طاهری، وکیل عبدالحسین روح‌الامینی و زهره حقیقی، والدین محسن روح‌الامینی از رد دفاعیه سعید مرتضوی در دادگاه اعاده دادرسی پرونده بازداشتگاه کهریزک خبر داده است.

سعید مرتضوی متولد سال ۱۳۴۶ در شهر تفت مدت‌ها به‌عنوان قاضی فعالیت کرد. او از ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۹ دادستان تهران و از ۱۳۸۸ تا ۱۳۸۹ معاون دادستان کل کشور بود و از ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲ ریاست سازمان تأمین اجتماعی را بر عهده داشت. به گزارش تابناک، او به دلیل پرونده‌های تعطیلی مطبوعات و شکنجه معترضان به نتایج اعلام‌شده انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ و مرگ مشکوک زهرا کاظمی شناخته می‌شود.

از روزی که در پرونده کهریزک از قضاوت تعلیق و مجبور به ترک دادستانی شد، روزهای بسیاری را در قامت یک متهم پله‌های دادگستری را بالا و پایین رفت و در نهایت هم راهی زندان اوین شد که سال ۸۸ بسیاری با حکم او پشت میله‌های همان روزگار را سپری کرده بودند. البته آنها متهمان سیاسی بودند و معترض به نتیجه انتخابات و مرتضوی محکوم پرونده قتل سه نفر از همان معترضان. دنیا کوچک‌تر از آن بود که مرتضوی تصور می‌کرد.

او در ۱۹سالگی با پذیرش در دانشگاه علوم قضائی مشغول به تحصیل در رشته حقوق شد و پس از آن به‌عنوان دادرس دادگاه عمومی شهر بابک منصوب شد و در نهایت به ریاست دادگاه حقوقی شهر بابک هم رسید؛ اما این جایگاه برایش کوچک بود. به تهران آمد و در سال ۱۳۷۳ از طریق اسدالله بادامچیان در ۲۷سالگی به ریاست شعبه ۹ دادگاه عمومی تهران منصوب شد و مدتی بعد توسط محمد یزدی به شعبه ۳۴ مجتمع قضائی کارکنان دولت و سپس به شعبه ۱۴۱۰ دادگاه مطبوعات رفت. دادگاه مطبوعات از سعید مرتضوی چهره‌ای مطرح ساخت و او به‌عنوان قاضی شعبه ۱۴۱۰ مجتمع قضائی کارکنان دولت معروف به دادگاه مطبوعات رسانه‌های بسیاری را توقیف کرد. در دوران دادستانی‌اش بیش از ۱۲۰ روزنامه و نشریه به دستور او توقیف شده‌اند. البته او به این حد بسنده نکرد و در سال ۱۳۷۷

در جریان محاکمه روزنامه کیهان، پنج نفر از اعضای هیئت‌منصفه را به بهانه حضورنیافتن در دادگاه برای دو سال از عضویت در هیئت‌منصفه محروم کرد. وی گفت که این حکم قطعی و غیر قابل اعتراض است. یکی از اعضای دیگر هیئت‌منصفه در همان زمان گفت این تصمیم باعث خواهد شد دادگاه مطبوعات تا مدت‌ها برگزار نشود و در واقع دادگاه مطبوعات از آن زمان به بعد جلسه‌ای تشکیل نداد. از اردیبهشت ۱۳۸۲ مسئولیت دادستانی عمومی و انقلاب تهران را بر عهده گرفت و با انتصاب آیت‌الله آملی‌لاریجانی به ریاست قوه قضائیه، مرتضوی از سمت دادستانی تهران برکنار و به سمت معاون دادستان کل کشور، منصوب شد.

هرچند سالیان طولانی قدرت بسیاری داشت، اما در نهایت همین اختیارات و قدرت منتج به اتهام قتل در پرونده کهریزک شد. او دادستانی بود که بسیاری از دستورهای بازداشت‌های ۸۸ را صادر کرد و ۱۴۷ نفر را هم به اقرار خودش به بازداشتگاه کهریزک فرستاد. این دستور برایش گران تمام شد، زیرا پنج نفر در این بازداشتگاه کشته شدند. پس از آن مجلس هشتم نیز کمیته ویژه‌ای تشکیل داد تا موارد مطرح‌شده درباره «شکنجه»، «ضرب و جرح»، نحوه نگهداری بازداشت‌شدگان و در نهایت «قتل» برخی از شهروندان معترض را بررسی کند. براساس گزارش کمیته حقیقت‌یاب مجلس که دی‌ماه سال ۸۸ در مجلس قرائت شد، فرد آمر در انتقال بازداشت‌شدگان به کهریزک، سعید مرتضوی، دادستان وقت تهران، معرفی شد. مرتضوی همراه حسن حداددهنوی معروف به قاضی حداد (معاونت امنیت وقت دادستان تهران) و علی‌اکبر حیدری‌فرد (دادیاری که دستور انتقال بازداشت‌شدگان به کهریزک را داده بود) مردادماه ۱۳۸۹ و با دستور دادگاه انتظامی قضات از سمت‌های خود تعلیق شدند و هم‌زمان مصونیت قضائی آنها نیز لغو شد. البته این پایان مرتضوی نبود؛ از یک سو همچنان به‌عنوان متهم به قتل در رسانه‌ها از او یاد می‌شد، از سویی رفیق شفیق احمدی‌نژاد بود و همین سبب شد در دی ۱۳۸۸ از سوی محمود احمدی‌نژاد به‌عنوان رئیس ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز تعیین شود. نکته جالب اینجا بود که علی‌اکبر حیدری‌فرد، دادیاری که دستور انتقال بازداشت‌شدگان به بازداشتگاه کهریزک را داده بود نیز به‌عنوان مشاور سعید مرتضوی در ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز منصوب شد. هرچند نمایندگان مجلس منتقد این انتخاب بودند، اما رئیس‌جمهور حامی او بود و اسفند ۱۳۹۰ مرتضوی را به ریاست سازمان تأمین اجتماعی منصوب کرد، اتفاقی که موضوع استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی را در مجلس هشتم مطرح کرد. البته این انتصاب و حمایت از مرتضوی برای خود دادستان سابق خیلی خوش‌یمن نبود و پرونده تخلفات او در اداره سازمان تأمین اجتماعی هم نشان از افول ستاره بخت او داشت. در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۹۱ دیوان عدالت اداری در راستای رسیدگی به شکایت چند نفر از نمایندگان مجلس در رابطه با ریاست مرتضوی بر صندوق تأمین اجتماعی، این دیوان رأی بر ابطال انتصاب او به‌عنوان ریاست این صندوق داد و این حکم را غیر قابل تجدیدنظر و قطعی اعلام کرد. البته مرتضوی با وجود حکم قضائی همچنان بر صندلی ریاست جلوس کرده بود تا اینکه در ۲۷ مرداد ۹۲ طی حکمی از سوی علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولت روحانی، صمدالله فیروزی به سمت سرپرست صندوق تأمین اجتماعی منصوب شد.

پاپس‌نکشیدن شاکیان پرونده قتل کهریزک و پرونده تأمین اجتماعی، مرتضوی را بالاخره با رأی محکومیت مواجه کرد و مرتضوی آذر ۱۳۹۶ به دو سال حبس محکوم شد.

ادامه در صفحه ۵

ادامه از صفحه اول

پیدا و پنهان حمله عراق به ایران

ارتش ایران به دلیل برخوردهای مغرضانه و حساب‌شده دچار بحران هویت و موجودیت شد. بعد از پاکسازی ارتش از طرف نیروهای چپ، اداره امور داخلی ارتش را مختل کردند و انضباط و سلسله‌مراتب را که ستون فقرات ارتش بود، در هم شکستند و در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۵۸ خدمت سربازی از دو سال به یک سال کاهش یافت و عملا یگان‌های ارتش از نیروهای عملیاتی و مدیریتی خالی شدند. اختلاف‌نظرها منجر به استعفای سرلشکر قرنی، رئیس ستاد ارتش شد و این برنامه‌ها که به نظر می‌رسد سازمان‌یافته انجام می‌گرفت، نفوذ را تا جایی پیش بردند که یکی از اعضای کادر مرکزی سازمان منافقین به نام سعادتی، درحالی‌که اسناد به‌کلی سرّی ارتش را برای سفارت شوروی می‌برد، دستگیر شد. حرکت بعدی سازماندهی کودتا بود که با بررسی اقدامات کودتاچیان کاملا روشن می‌شود که هدف کودتا، سرنگونی نظام نبوده و صرفا برای ایجاد سوءظن به ارتش این کودتا از سوی عوامل چپ سازماندهی، هدایت، افشا و خنثی شد.

ارتشی که چند سال قبل از چنان توانمندی برخوردار بود که دولت بعث عراق ملتمسانه قرارداد ۱۹۷۵ را پذیرفت، امروز یعنی در سال ۱۳۵۹ علی‌رغم اینکه از نظر تجهیزات قوی‌تر شده بود، ولی با برنامه‌ریزی مستقیم نیروهای چپ آن‌چنان زمین‌گیر شد که صدام تصور می‌کرد می‌تواند در عرض چند هفته خوزستان را تصرف کند.

صدام با پشتوانه اتحاد جماهیر شوروی مقدمات حمله به ایران را فراهم می‌کرد و بر اساس اظهارات آقای امیرانتظام در شهریور ۱۳۵۸، جان استمپل، مسئول سیاسی سفارت آمریکا در تهران، همراه با جورج کیو از واشنگتن به سوئد رفتند و با سفیر جمهوری اسلامی ایران در شهر استکهلم دیدار کردند. آنها ضمن ارائه اسلایدهایی از جابه‌جایی ارتش عراق در اطراف مرز ایران اظهار کردند عراق خیال حمله به ایران را دارد و این دو نفر با پرواز به ایران، اسلایدهای جابه‌جایی ارتش عراق را به آقایان بازرگان و دکتر یزدی نشان دادند. همچنین رئیس سازمان سیا در ملاقاتی با آقای دکتر یزدی اعلام کرد عراق قصد حمله به ایران را دارد و شوروی‌ها در منطقه ارس آرایش نظامی گرفته‌اند. روس‌ها ۸۵ درصد تسلیحات عراق در جنگ با ایران را تأمین کردند و اهداف اتحاد جماهیر شوروی در حمایت از عراق در جنگ با ایران عبارت بود از:

۱. کسب درآمد از فروش اسلحه.

۲. در صورت پیروزی عراق بر ایران، ایران به کشورهای بلوک شرق می‌پیوندد.

۳. جلوی قدرت‌گرفتن یک گروه مذهبی که می‌تواند در مسلمانان شوروی حساسیت ایجاد کند، گرفته می‌شود.

۴. گروه‌های مبارز افغانستان که در حال مبارزه با روس‌ها بودند، تضعیف می‌شوند.

۵. تسلیحات مدرن شوروی در بازار رقابت با تسلیحات غربی به نمایش درمی‌آید.

فقط در سال‌های ۶۱ تا ۶۵ نزدیک به ۳۱ میلیارد دلار اسلحه روسی به عراق فروخته می‌شود؛ به‌نحوی‌که در شب بازپس‌گیری فاو، عراق پنج هزار دستگاه تانک، چهارهزارو ۵۰۰ دستگاه وسایل نقلیه جنگی، پنج‌هزارو ۵۰۰ عراده توپ، ۲۲۰ فروند بالگرد، ۷۲۰ فروند جنگنده و هزاران عدد موشک اسکاد با بردهای مختلف از شوروی تحویل گرفته بود.

در نوامبر ۱۹۸۲ - ۱۳۶۱ بیش از هزارو ۲۰۰ دانشمند شوروی به‌عنوان مشاور نظامی در عراق حضور داشتند. آمریکا، عراق را متحد شوروی و یک دشمن بالقوه قلمداد می‌کرد و برای مقابله با کمونیسم به دنبال تقویت اسلام‌گرایی در منطقه به‌خصوص افغانستان بود؛ اما با وجود تمام توطئه‌های اتحاد جماهیر شوروی در تضعیف ارتش ایران و تقویت ارتش عراق، در اولین روزهای جنگ، همین ارتش ازهم‌پاشیده در مقابل ارتش عراق مقاومت کرد و پنج لشکر زرهی و مکانیزه عراق در مقابل لشکر ۹۲ زرهی اهواز با ۵۰ درصد استعداد فیزیکی مجبور به توقف شد.

یادمان باشد در روزهای اولیه حمله عراق، سپاه پاسداران، بسیج و نیروهای مردمی هنوز سازماندهی نشده بودند. نیروی دریایی عراق بعد از عملیات مروارید ۱۳۵۹/۹/۷ تا پایان جنگ سر بلند نکرد و نیروی هوایی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ چنان ضربه‌ای به عقبه ارتش عراق وارد کرد که تا پایان جنگ نتوانستند آن را جبران کنند.

نسل امروز باید بداند جنگ در زمانی به ما تحمیل شد که تمام استعداد سپاه پاسداران در کل کشور حدود ۱۵ هزار نفر بود که عمدتا در کردستان، گنبد، بلوچستان و... درگیر مبارزه با ضدانقلاب بودند و نقش نیروی هوایی، دریایی و زمینی و هوانیروز ارتش در جلوگیری از سقوط خوزستان انکارنشدنی است. دولت مهندس موسوی، تمام توان خود را در پشتیبانی از نیروهای عملیاتی به کار گرفت و در طول جنگ، نیروهای عملیاتی اعم از بسیجی، پاسدار، سرباز، افسر و درجه‌دار با ایثار و فداکاری نقش خود را به خوبی ایفا کردند.